

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: بابک آزاد

عبدالله باوی

۲۶ جنوری ۲۰۱۳

تنها راه رهائی از سلطه دشمن، همبستگی خلق هاست !

بحرانی شدن هر چه بیشتر روابط جمهوری اسلامی با امریکا و قدرتهای غربی و گسترش هر چه بیشتر تحریم های اعمال شده علیه رژیم چه از سوی شورای امنیت سازمان ملل و چه همین قدرت ها و همچنین تبلیغات روزمره در مورد احتمال حمله نظامی به ایران، یکی از تبعاتش تلاش علنی قدرت های مزبور جهت التراناتیو سازی های امپریالیستی بوده است. آن ها به این ترتیب هم رژیم را تحت فشار می گذارند و هم خود را برای برنامه های آینده آماده می سازند. با نگاهی به این کنفرانس ها فوراً روشن می شود که یکی از پاهای دائمی چنین سمینارهایی افراد و نیروهای هستند که خود را نماینده اقلیت های ملی تحت ستم در ایران جا می زنند. این امر خود به روشنی نشان می دهد که امریکا و قدرت های غربی با تکیه بر واقعیت ستم ملی اعمال شده بر خلق های ایران در تلاش اند تا با پر و بال دادن به اندیشه ها و نیروهای خواهان جدائی، خود را برای پیشبرد پروژه های آینده شان آماده سازند. چنین پروژه هایی به طور طبیعی فرصت طلبانی را در بین خلق ها به جنب و جوش واداشته است تا در این شرایط خاص تاریخی از این موقعیت حساس سود جسته و جهت استفاده از کمک های تبلیغاتی، مالی و نظامی امپریالیسم امریکا خود را نماینده مردم تحت ستم جا زده و ضمن کوبیدن بر طبل کینه و نفرت علیه "فارس" ها، بکوشند با جمع آوری نیروی مادی برای اندیشه های کثیف خود، مجری تحقق چنین اهدافی شوند تا شاید با به وجود آمدن شرایط دلخواهشان، خود به قدرت برسند.

این وضع را در میان همه خلق های تحت ستم می توان دید از جمله در میان خلق عرب. در این جا هم شاهد هستیم که کسانی که خود را نماینده خلق عرب جا زده اند بدون توضیح این که این نمایندگی را از کجا به دست آورده اند! به جای تمرکز بر جمهوری اسلامی به مثابه کانال اصلی سلطه امپریالیستی، "فارس" را دشمن اصلی جا زده و به جای تحکیم وحدت در مبارزه علیه جمهوری اسلامی، انشقاق و جدائی را دامن می زنند. برای نمونه، "جبهه دموکراتیک مردمی احواز" با صدور اطلاعیه ای در رابطه با سالگرد تأسیس این جریان می نویسد:

"در چنین ایامی در ماه جنوری ۱۹۹۰ فرزندان دلیر عرب احواز برای مبارزه با نظام اشغالگر فارس و تحقق حق تعیین سرنوشت ملت عرب احواز به دست خود و ایجاد دولتی عربی و مستقل در سرزمین احواز اقدام به تأسیس

جبهه دموکراتیک مردمی احواز نمودند تا با اتحاد و اهدافی مشترک با رژیم اشغالگر و شونیست فارس مبارزه نمایند. به همین مناسبت جبهه دموکراتیک مردمی احواز از تمامی افراد حقیقی، حقوقی، احزاب عرب و ملت‌های غیر فارس جهت شرکت در مراسم سالگرد تأسیس جبهه دموکراتیک مردمی احواز در روز شنبه مصادف با ۱۹ جوری ۲۰۱۳ دعوت به عمل می‌آورد". (۱) (تأکید از من است)

با مطالعه این اطلاعیه آشکار می‌شود که نویسندگان آن آگاهانه خلق عرب ایران را نه علیه رژیم جمهوری اسلامی و شونیسمی که از آن نشأت می‌گیرد، بلکه علیه "فارس" برمی‌انگیزند. آن‌ها با استفاده از کلماتی چون "انتفاضه" و "ارتش اشغالگر" که در رابطه با مبارزه خلق فلسطین با ارتش اشغالگر اسرائیل به کار برده می‌شود خلق عرب را به خلق فلسطین تشبیه کرده و "فارس" را اسرائیلی اشغالگر جلوه می‌دهند و با پوشش ملی عربی، که به جای خود قابل احترام است، هویت غیر ایرانی به خود داده و این کینه و نفرت علیه رژیم را در شکل مخالفت با "فارس" جلوه می‌دهند و این در شرایطی است که رژیم جمهوری اسلامی با انتقال دهقانان عرب به شهرهای چون یزد و کرمان، و دادن زمین‌های آن‌ها به مزدوران خود، بر خلق عرب ستم روا می‌دارد. ظلم و ستمی که بر خلق عرب رفته و می‌رود از دوره خمینی مرتجع و با گفتن "آن‌ها را به دریا بریزید" شدت هر چه بیشتری یافت ولی نباید فراموش کرد که ظلم و ستم خمینی و رژیمش صرفاً علیه خلق عرب نبوده و همه خلق‌های ایران را فرا گرفته بود. کسی فراموش نکرده که این مرتجع ضمن سرکوب همه توده‌های ستمدیده، علیه زحمتکشان خلق کرد نیز اعلام جهاد نمود.

ناسیونالیست‌های عرب، از سرمایه‌داران عرب که پرولتاریای عرب و سایر خلق‌ها را استثمار می‌کنند، از شکنجه‌گران عرب و بازجویان عرب و دیگر مرتجعین قاتل عرب البته سخنی نمی‌گویند، برای آن‌ها عرب، عرب است و "فارس" چه کارگر باشد و چه سردمدار جمهوری اسلامی، دشمن است. آن‌ها حاکمان جمهوری اسلامی را "سردمداران جنایتکار فارس" (۲) خوانده و کینه‌توزانه این ایده را دامن می‌زنند که ستمی که بر خلق عرب می‌رود، ستمی نژادی است. آن‌ها از ستمی که علیه خلق کرد رفته و می‌رود که تا کنون بر اثر این ستم هزاران زحمتکش کرد جان خود را از دست داده‌اند، از ستمگری و اهانت به خلق ترک که هر بار که علیه این اهانت به اعتراض برخاسته وحشیانه سرکوب شده است، از ستم بر خلق بلوچ و ترکمن سخنی نمی‌گویند تا خود را در این ستم مستثنی جلوه دهند و اگر از این ستم بر سایر خلق‌ها چیزی گفته شود فقط برای تأیید حقانیت نفرت و کینه علیه "فارس" است. برای این سبک مغزان مفلوک، نه تاریخ معنایی دارد، نه واقعیت‌های جامعه طبقاتی و نه سیاستی که از آن نشأت می‌گیرد و نه مبارزه آزادیخواهان و کمونیست‌ها. آن‌ها منافعشان حکم می‌کند که برای نمونه به خلق عرب توضیح ندهند که در تابستان ۶۷ چه گذشت و چرا هزاران کمونیست و بهترین فرزندان این خلق‌ها، از کرد و فارس و ترک و بلوچ و ترکمن و عرب از دار آویخته شدند، آن‌هم به دست جمهوری اسلامی و نه فارس‌ها، چرا زحمتکشان همه خلق‌ها اینچنین در فقر یکسان به سر می‌برند و چرا هر فریاد اعتراضی نسبت به شرایط حاضر در سراسر این سرزمین در بند، در گلو خفه می‌شود. سرمایه‌داری و تاریخ سرمایه‌داری در این سرزمین مشکل آنها نیست، این که چرا خلق عرب تحت ستم است و ریشه‌های این ستم از کجا نشأت می‌گیرد، مسائلی نیستند که این فرصت‌طلبان در لباس ناسیونالیسم به آن بپردازند. اگر جوانان عرب با "جرم"‌های مختلف به مجازات یکسان اعدام محکوم می‌شوند این نفرت انگیز است ولی این رژیم کثیف، چنین شیوه‌ای از مجازات را در سراسر این مرز و بوم انجام می‌دهد و برای این رژیم، کرد و فارس و ترک برای اعدام شدن یکسان هستند.

همان طور که ثابت شده است فرهنگ مسلط بر هر جامعه ای فرهنگ طبقه حاکم می باشد و در این فرهنگ منحنی تنها خلق های تحت ستم نیستند که تحقیر می شوند کارگر فارس هم تحقیر می شود و جمهوری اسلامی در عمل دشمن همه این تحقیر شده ها و هیچ بودگان می باشد، دشمن مشترک همه ستمدیدگانی که باید متحداً بپاخاسته و آن را سرنگون سازند. تجربه نشان داده که هیچ خلقی و از جمله خلق عرب به تنهایی به آزادی نخواهد رسید و از آن رو لازم است که در این شرایط خطر مبارزه طبقاتی، کمونیست ها و عناصر آگاه و آزادیخواه همه خلق ها در ایجاد و تقویت احساس همبستگی در بین خلق ها بکوشند. خلق عرب همچون سایر خلق ها فقط در یک شرایط دموکراتیک می تواند در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرد و ایجاد این شرایط دموکراتیک تنها در پرتو یک انقلابی که بتواند جمهوری اسلامی و اربابانش را سرنگون سازد، امکان پذیر است. انقلابی که بدون همبستگی همه خلق های ستمدیده قابل تصور نمی باشد.

قبل از آن که فرصت طلبان چشم دوخته به کمک های خارجی قادر به فریب زحمتکشان شده و آن ها نیز زیر پرچم ناسیونالیسم همدیگر را در خون یکدیگر غرق کنند، در همبستگی زحمتکشان بکوشیم.

برقرار باد اتحاد خلق های ایران

جنوری ۲۰۱۳

۱- سایت "جبهه دموکراتیک مردمی احواز"

۲- مقاله رامین سلطانی با عنوان "خاکی که بوی نفت می دهد امروز خونین است"، در سایت "جبهه دموکراتیک مردمی احواز".